

فکر می‌کنید چه چیزی کلاس‌ها و روش تدریس را جذاب کرده است؟

من پرانرژی تدریس می‌کنم. کلاس‌های زیر ۳۰ نفر را کلاس نمی‌دانم. هرچه تعداد دانش‌آموزانم بیشتر باشد، می‌توانم انرژی بیشتری بگذارم. در کلاس پرجمعیت دیدگاه‌های متعددی وجود دارند و وقتی مطلبی را می‌گویم، سؤالات بیشتری از من می‌پرسند و من به عیب تدریس‌م پی می‌برم. متوجه می‌شوم کجاها را کم گفته‌ام که چنین سؤالاتی از من می‌پرسند. بازخورد آن انرژی را که سر کلاس می‌گذارم می‌بینم. وقتی از بیان دانش‌آموز یا نگاه و حالت بدنش متوجه می‌شوم درس را فهمیده و ذهنش درگیر شده است، لذت می‌برم و انرژی دریافت‌شده را دوباره به کلاس برمی‌گردانم.

سعی می‌کنم مفاهیم را به روش‌های متنوع، نه فقط به دانش‌آموزان تفهیم کنم، بلکه باعث شوم دانش‌آموزان خودشان مفاهیم را کشف کنند. باید در تدریس حس را به دانش‌آموز منتقل کنی. فقط بیان مطالب و نوشتن روی تخته و ارائه جزوه و کتاب کافی نیست. دانش‌آموز باید بتواند با شما ارتباط برقرار کند. شاه‌کلید تدریس، ارتباطی است که باید بین معلم و دانش‌آموز وجود داشته باشد.

با چه روش‌هایی ارتباط خودتان را با بچه‌ها تقویت و در آن‌ها ایجاد انگیزه می‌کنید؟

در ابتدای کلاس با یک چرخش و احوال‌پرسی متوجه حالت روحی دانش‌آموز می‌شوم و به آن توجه دارم. همیشه سؤالات را درجه‌بندی می‌کنم و گاهی به‌عمد سؤالی را که می‌دانم دانش‌آموز پاسخ‌ش را می‌داند، از او می‌پرسم تا به او انرژی بدهم و بگویم تو هم در این کلاس هستی و می‌توانی مثل بقیه جواب بدهی.

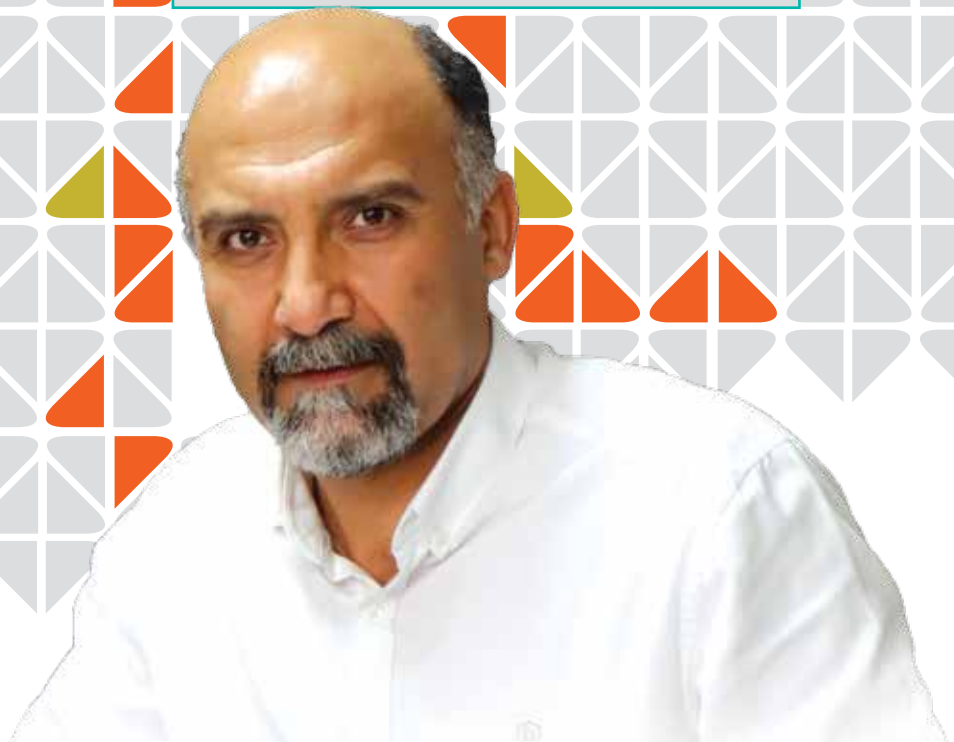
مهدی براتی در ۱۰ شهریور ۱۳۵۳، در شهر مقدس قم متولد شد. وی دوران تحصیل خود را در مدرسه‌هایی چون علامه حلی و شیخ صدوقی گذراند. براتی بعد از دریافت مدرک کارشناسی دبیری شیمی در سال ۱۳۷۵ تدریس خود را در شهرستان برازجان استان بوشهر آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۷۸ به تهران آمد و تدریس را در آموزش و پرورش شهرستان اسلامشهر ادامه داد. براتی اکنون ۲۹ سال سابقه تدریس دارد و در بهمن ۱۴۰۲ بازنشسته خواهد شد. این دبیر باتجربه همچنین مؤلف کتاب‌های کمک‌آموزشی شیمی است و با اداره کل سنجش و پایش کیفیت آموزشی نیز همکاری دارد. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه گفت‌وگوی ما با براتی، دبیر حرفه‌ای و پرانرژی شیمی است که در دفتر مجله انجام شده است:

کلاس ماندگار

گفت‌وگو با مهدی براتی، دبیر شیمی

لیلا صمدی

عکاس: احمد رضا کریمی



اکنون برای بچه‌ها سخت شده است که یک ساعت و نیم روی این نیمکت‌ها بنشینند. الان بیشتر مشخص شده که نظام کلاس‌داری ما استاندارد نبوده است. همچنین، با دانش‌آموزانی روبه‌رو شده‌ام که به لحاظ روحی در شرایط مساعدی نبودند، عزیزانشان را از دست داده بودند، هنوز از مرحله سوگ خارج نشده بودند و کاری برایشان انجام نشده بود. وظیفهٔ مدرسه‌ها یا هسته‌های مشاورهٔ اداره، شناسایی دانش‌آموزان پرچالش و حمایت و پشتیبانی از آن‌هاست تا این دانش‌آموزان به حالت عادی برگردند.

شاگردان و والدین آن‌ها و همین‌طور همکارانتان آقای براتی را با چه ویژگی خاصی می‌شناسند؟

دانش‌آموزان و اولیا مرا به‌عنوان معلم منضبط، مهربان و خوش‌تیپ می‌شناسند. وقتی والدین بچه‌ها را بعد از سال‌ها در خیابان می‌بینم، می‌گویند چه کار کردید که بچه‌ها فراموش‌تان نمی‌کنند.

معلمان برای رشد حرفه‌ای مداوم باید چه کنند؟

رشد حرفه‌ای معلم زمان می‌برد. مهم‌ترین مهارت معلم، مهارت کلاس‌داری است که با تجربه به دست می‌آید و اگر کسی بخواهد زودتر به آن برسد، لازم است از تجربه‌های دیگران استفاده کند. مهم‌ترین موضوع در کلاس‌داری، اعتماد علمی به معلم و جذابیت کلاس برای دانش‌آموز است. آزمون علمی معلم از اولین کارهایی است که دانش‌آموزان انجام می‌دهند. بدترین اتفاق برای معلم آن است که اعتبار علمی‌اش زیر سؤال برود. لازم است معلم مطالعهٔ زیادی داشته باشد تا بتواند پاسخ‌گوی سؤالات دانش‌آموزان باشد تا به او اعتماد کنند. تعامل با سایر همکاران و شرکت در گروه‌های آموزشی و همایش‌ها نیز به رشد حرفه‌ای مداوم معلم کمک زیادی می‌کند.

در آخر بفرمایید برای معلمان مخاطب مجله چه رهنمودی دارید؟

معلم‌هایی که می‌خواهند وارد این حرفه شوند، بدانند که معلمی حرفهٔ سختی است. چرا که با روح و روان دانش‌آموز سر و کار دارد. یک حرکت کوچک ما در کلاس درس می‌تواند آیندهٔ دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار دهد. حتی یک دست‌کشیدن روی سر و تشویق زبانی دانش‌آموز می‌تواند خیلی روی او اثر داشته باشد. مراقب روحیهٔ دانش‌آموزان باشیم تا آسیب نبینند. من حتی زمانی که مادرم را از دست دادم، در مدرسه لباس مشکی پوشیدم و اجازه ندادم بنر تسلیت نصب کنند، چرا که نمی‌خواستم بچه‌ها حتی یک دقیقه هم ناراحت شوند. برای پرورش دانش‌آموزان بیشتر از محتوای درسی اهمیت قائل باشیم. حتی با ظاهر و سبک لباس پوشیدمان هم می‌توانیم به دانش‌آموز آموزش بدهیم، چرا که دانش‌آموز از ما الهام می‌گیرد و الگوسازی می‌کند.

بچه‌ها در ابتدا با درس شیمی ارتباط خوبی برقرار نمی‌کنند، چراکه شیمی درسی مفهومی و تا حدی حفظی است. برای ایجاد انگیزه در بچه‌ها، باید ایجاد علاقه کرد. دانش‌آموز باید از زنگ شیمی خوشش بیاید. بگوید: «ای جان! من زنگ بعد شیمی دارم. زنگ بعد براتی می‌آید». صدها بار پیش آمده که دانش‌آموزان گفته‌اند ما امروز فقط به خاطر شیمی به مدرسه آمده‌ایم. برای ایجاد علاقه باید ابزار داشته باشید. یکی از ابزارها جذابیت بیان و حرکات و فیزیک معلم است. جذابیت دیگر در روش تدریس است که اگر روش فعالی باشد و دانش‌آموز را درگیر کند که خودش مطالب را کشف کند، کلاس جذاب می‌شود. من با رعایت تمام شرایط ایمنی در کنار آزمایش‌های علمی، از آزمایش‌های نمایشی و هیجانی که با دود و صدا همراه باشد نیز استفاده می‌کنم. این آزمایش‌ها برای بچه‌ها لذت‌بخش هستند. مثلاً گاز هگزا فلوراید گوگرد را که خطری ندارد، با خودم به کلاس می‌آوردم و دانش‌آموزان آن را تنفس می‌کردند. تا چند دقیقه صدایشان ضخیم می‌شد. همچنین، در کلاس‌مان مسابقه، چالش و تورهای علمی مجازی داریم. مثلاً در کلاس‌های مجازی برنامهٔ بازدید از قسمت اوزان و مقادیر موزة لوور پاریس و بازدید از آزمایشگاه فیزیک هسته‌ای سرن را داشتیم. برای بازدید از شرکت مرک آلمان که در ساخت مواد شیمیایی خیلی مجهز است، تور می‌گذاشتیم و فرایند ساخت مواد شیمیایی را می‌دیدیم.

این کارها را که انجام می‌دهی، کلاست برای دانش‌آموزان به یادگار می‌ماند. بچه‌ها باید معلم و کلاس و مدرسه را دوست داشته باشند. حس بسیار خوبی است که دانش‌آموزان از کلاست به عنوان یک کلاس خاطره‌انگیز بین خودشان یاد کنند. من فقط یک بار توانستم دانش‌آموزانم را به اردو (پتروشیمی اراک) ببرم. همیشه این توان وجود ندارد که درسمان را بیرون از کلاس داشته باشیم، اما باید با امکاناتی که داریم، کاری کنیم کلاس‌مان جذاب و خاطره‌انگیز باشد.

چگونه دانش‌آموزانتان را در کلاس فعال نگه می‌دارید و درگیر می‌کنید؟

از روش پرسش و پاسخ با هدف افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یاددهی یادگیری استفاده می‌کنم. برای مثال، این سؤال را مطرح می‌کنم که اگر تو جای رادفورد بودی، چه آزمایشی را طراحی می‌کردی؟ به این ترتیب، ذهن دانش‌آموز درگیر می‌شود. از ابتدای سال هم به آن‌ها می‌گویم این پرسش و پاسخ‌ها برای ارزشیابی نیست، بلکه برای این است که ما در کلاس با هم حرف بزنیم. در کلاس ما خندیدن بجا و حرف‌زدن بجا مشکلی ندارد. صدها بار شنیدم، زمانی که زنگ پایان کلاس خورد، دانش‌آموز گفت: «زنگ را زدند؟ ما نفهمیدم کی زنگ خورد!» این جمله‌ها بیشترین انرژی را به من می‌دهند.

بعد از اینکه دانش‌آموزان از کلاس‌های مجازی به کلاس‌های حضوری برگشتند، چه تغییراتی را در آن‌ها مشاهده کردید؟